



شرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**بزرگداشت استاد رضا براهنی**



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## هزار نقد به بازار کائنات آرند یکی به سکه‌ی صاحب عیار ما نرسد

جمعی از شخصیت‌های ادبی - فرهنگی ایران از جمله کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، سیمین بهبهانی، مفتون امینی، امیرجلال‌الدین اعلم، مهدی افشار، پرویز اذکایی، هیوا مسیح، حسن انوشه، احمد گلشیری، داریوش ارجمند، نادر ابراهیمی و سیدحسن بنی‌طبا جشقانی در روز ۴ تیرماه ۱۳۸۴ (۲۵ جون ۲۰۰۵) به مناسبت بزرگداشت رضا براهنی شاعر، نویسنده، نظریه‌پرداز ادبی، استاد دانشگاه و فعال حقوق بشر پیام زیر را برای کانون سپاس ارسال کردند:

هزار نقد به بازار کائنات آرند  
یکی به سکه‌ی صاحب عیار ما نرسد

سپاس از شخصیت‌های علمی و ادبی در حقیقت ارج نهادن به فرهنگ و ادبیات ایران است. از این نظر ما ضمن تشکر از همه کسانی که به نحوی در برگزاری مراسم سپاس از دکتر رضا براهنی دخیل بوده‌اند مطالبی را به استحضار می‌رسانیم.

حوزه‌ی کاری استاد، دکتر رضا براهنی به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) آفرینش ادبی در دو زمینه شعر و شاعری و داستان‌نویسی با آثار برجسته‌ای همچون رازهای سرزمین من و روزگار دوزخی آقای ایاز و نیز شعر دف و غیره.

ب) نقد ادبی - علمی تا جایی که می‌توان بدون تردید «براهنی» را بنیانگذار آن دانست. در این زمینه فقط کافی است «طلا در مس» را نام ببریم.

سخن گفتن از چنین شخصیت چندوجهی و صاحب دل و صاحب نظر دشوار است و تنها در

شرح یک شعر ایشان یعنی همان شعری که آوای «دف» از ضرب آهنگ موسیقی آن برمی آید باید ساعت‌ها سخن گفت که چگونه کسی می‌تواند به موسیقی مضاعفی در شعر دست یابد. از امتیازات مهم «اخلاقی» براهنی، صراحت در بیان، قاطعیت در عمل و شجاعت اخلاقی اوست. او هیچ وقت بر سر حقیقت معامله نمی‌کند و به هیچ روی در آستان هیچ ایدئولوژی که دام چاله از خود یگانگی باشد سر فرود نمی‌آورد.

شاید اگر ما در جامعه‌ی ادبی خود ده نویسنده و شاعر و منتقد و سخن‌شناس، هم‌پایه او داشتیم، امروزه سرنوشت جریان‌های ادبی کشورمان دیگرگون می‌شد. و توجه جهانیان نه فقط به ادبیات کلاسیک فارسی بلکه به ادب امروز نیز بیش از آنچه تاکنون بوده جلب می‌شد. آثار «براهنی» همه دوست داشتنی است و دوستان‌اران آثارش قریب به چهل سال است که چشم به راه انتشار ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی یونان» ایشان اثر «آرتور میلر» هستند و نمی‌دانند این کار به کجا انجامیده است.

با درود خدمت استاد «براهنی» شخصیت کم‌نظیر و والا مقام ادبی و فرهنگی امروز ایران و نیز با یاد کردن از این‌که ایشان در برانداختن رژیم غیردمکراتیک پهلوی دوم سهمی فراموش‌نشده در تاریخ معاصر ایران دارد.

به قول ساسان قهرمان می‌توان براهنی را دوست نداشت. می‌توان او را نفهمید، نپذیرفت، بر نگاه و سخشن مردد ماند، یا از او رنجید. کسانی نپذیرفته‌اند. کسانی رنجیده‌اند. اما نمی‌توان او را ندیده گرفت. می‌توان از او خشمگین شد. کسانی شده‌اند. اما نمی‌توان گفت بیهوده بیراه می‌گوید. می‌توان گفت گاه زود برمی‌آشوبد، اما نمی‌توان گفت حرفی از خود ندارد، که تنها ترجمان دیگران است، که زنده نیست. با تک تک سلول‌هایش و در تک تک ثانیه‌های عمر او و ما نمی‌توان گفت. نگفته‌اند. زیرا او زنده است و چون پلنگ پنجه بر تن کوه می‌ساید.

واقعیت این است که نمی‌توان حضور پررونق براهنی را در عرصه ادبیات، هنر و فرهنگ نادیده گرفت. چه بیسندیم و چه نپسندیم. چه نظریاتش با ایدئولوژی‌ها و عادت‌های مسلط بر ذهن ما هم‌خوان باشد و چه نباشد.

چند دهه فعالیت مستمر براهنی را نه تنها در حوزه‌ی خلاقیت ادبی (شعر، قصه، رمان، مقاله) [کافی است مقاله‌ی قیامت، ادبیات، عکاسی را خوانده باشیم و در فضای حسی و ساده‌ی براهنی پا نهاده باشیم تا پدر را باکت و شلوار مندرس پشت دوربین عکاسی ببینیم، با ندامت برگردیم به کودکی و به خود بگوییم چه شکوهی

داشتی فقر... یا تبریز را که پیش از آن مکرر دیده‌ایم یک بار با جغرافیای ترسیم شده‌ی براهنی در مجله‌ی زمان ببینیم، آن وقت به خود اجازه می‌دهیم مقاله را از حوزه تحقیق بیرون بیاوریم و بگذاریم کنار خلاقیت شعر و قصه و رمان. [و نقد علمی به عنوان بنیانگذار جدی نقد ادبی در ایران و نظریه‌پرداز و استاد و مدرس بی‌چون و چرای ادبیات خلاق را نمی‌توان انکار کرد. هرچند گروهی از ادب‌داران معاصر با ترفندها و تمهیدات خاص خود و مخدوش ساختن فضای ادبی ایران سعی در کم‌رنگ کردن تأثیر وسیع‌اش داشته باشند.

از قصه‌ها و شعرها و نقدهای نوشته شده‌ی براهنی هم که بگذریم بی‌شک تاریخ ادبی ایران تربیت نسل فراگیری از قصه‌نویسان و شاعرانی را که از آموزش‌های براهنی در حوزه‌ی نگارش سود برده‌اند نادیده نخواهد گرفت. منظور از تأثیر براهنی بر نسلی از نویسندگان منحصر به کسانی نیست که واحدهای درسی دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران گذرانده‌اند (در سال‌های استادی براهنی) یا در زیرزمین خانه‌ی براهنی (در سال‌های ممنوعیت تدریس در دانشگاه‌های دولتی) بلکه منظور طیف وسیعی است که در نوشتن شعرها و قصه‌هایشان از اندیشه‌های براهنی سود برده‌اند و در نگارش کتاب‌ها، تحقیق‌ها و نقدهایشان کتاب‌های براهنی جزء منابع دست اولشان بوده. هرچند به نظرم کسانی که به قصد آموختن و به‌طور مداوم و مستمر در گوشه‌ای از کارگاه شعر و قصه براهنی زانو زدند و خواندند و نوشتند از زمره‌ی فارغ‌التحصیلان جدی عرصه‌ی ادبیات‌اند زیرا پرداختن به ادبیات در آن کلاس‌ها برای براهنی نه وسیله‌ای بود برای سودجویی مالی و نه به قصد پرکردن ساعت‌های موظفی تدریس تشکیل شده بود. در نتیجه فارغ‌التحصیلان جدی این دانشگاه. [معتقدم دانشگاه صرفاً جایی نیست که با تأیید صددرصد دولت‌ها، با مجوز رسمی از وزارت‌خانه‌ای خاص تأسیس می‌شود. و با اپیدمی دریافت مدرک به شرط زور و اتکاء پول و نشانیدن عرق جبین بر چهره‌ی خانواده‌های بی‌پول برای تأمین شهریه‌های کلان فرزندان‌شان بقا پیدا می‌کند. بلکه می‌تواند مصداق مکانی باشد که عده‌ای با عشق به آموختن پا به آن می‌گذارند و کس یا کسانی با انگیزه آموزاندن، دانش و تجربه‌ی خود را در طبق اخلاص می‌گذارند. [تأکید می‌کنم آن‌ها که به قصد آموختن و به‌طور مستمر پا به آن زیرزمین گذاشتند دانش ادبی‌ی فراتر از حفظ تاریخ تولد، وفات و اطلاعات لغت‌نامه‌ای که در دانشکده‌های ادبیات آموزش داده می‌شود،

آموختند. گرچه هر کدام با اندیشه‌ای مستقل و نگاه خود به هستی و ادبیات می‌نویسند و گاه ممکن است در جایی طرز تلقی‌اشان از مؤلفه‌های ادبی و یا سایر دیدگاه‌ها با نظر آقای براهنی مغایرت کامل داشته باشد. با این همه و ام‌دار تلاش‌های خالصانه‌ی او هستند که بی‌هیچ دریغ و بدون هیچ نفع مادی دانش و آگاهی ادبی و فلسفی‌اش را نثارشان کرد.

از این رو باید آنچه در ۵۴ تیرماه ۱۳۸۴ (25, 26 جون 2005) به همت کانون سپاس انجام گرفت، سال‌ها پیش در ایران اتفاق می‌افتاد.

من و همکارانم در مجله بایا از کانون سپاس، نشریه شهروند و کلیه کسانی که در برگزاری این مراسم همت کردند تشکر می‌کنیم. چنین ارج و احترام به حقی دربار‌ی خدمات ارزشمند آقای براهنی یا هر اندیشمند دیگری آرزوی قلبی ماست اما متأسفانه دست ما کوتاه و خرما بر نخیل.

از این رو با کسب اجازه از سردبیر، مدیران و اعضاء تحریریه «شهروند» بخش عمده‌ای از مطالب شماره ۱۰۰۰ شهروند را در این شماره «بایا» به چاپ می‌رسانیم گرچه «بایا» در نظر دارد شماره‌ای ویژه و تحلیلی بر آثار نویسنده‌ی ارجمند رضا براهنی اختصاص دهد. اما تا آن روز...

فرخنده حاجی‌زاده